



امام حسین (علیه السلام) هنگامی که تصمیم گرفت (از مکه) رهسپار عراق شود، برخاست و خطبه‌های به این مضمون ایراد فرمود

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ، خَطَّ الْمَوْتَ عَلَى وَ لِدِ أَدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةَ عَلَى جِيدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا أَوْلَهُنِي إِلَى أَسْلَافِي إِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ، وَ خَيْرَ لِي مَصْرَعٌ أَنَا لِأَقْبِيهِ. كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعَهَا عَسَلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَابِيسِ وَ كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِيهَ سَغْبًا، لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خَطَّ بِالْقَلَمِ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبْرٌ عَلَى بِلَائِهِ وَ يُوقِنَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تُشَدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِحْمَتِهِ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، تَقَرَّبَ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يَنْجِزُ بِهِمْ وَعْدَهُ.

مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مَهْجَتَهُ، وَ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَبْرَحْ حَلَّ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۴، ص: ۳۶۷

ستایش مر خدای راست، و مشیت از آن او، و قوت و نیرویی جز به خدا نباشد (قوت هم ازوست) و درود خدا به رسول مکرم او (و آلش) و سلام خدا بر او باد، آرایش مرگ بر فرزند آدم چون آرایش گردن‌بند بر گردن دوشیزگان است، گرایش و اشتیاقم به زیارت اسلافم (جدّ و پدر و مادر و برادرم) چون اشتیاق یعقوب به یوسف است، و برایم قتلگاهی گزیده شد که من بدان جایم باید رفت، گوئیم می‌نگرم که گرگهای بیابان بند بند مفاصلم را از هم جدا کنند در میان نوایس و کربلاء، چه شکمها از من پر، و چه انبانها که از من آکنده گردد، گریزی از آنچه بر قلم تقدیر رفته نیست، ما- اهل البیت- خشنودی خدا را خرسندی خود دانسته، بر بلایش صابریم، و او اجر صابران را به ما می‌دهد، هیچ گوشت پیامبر (پاره تن) او از وی جدا نگردد مگر آن که در حضیره القدس نزدش گرد آید، چشمش بدانها روشن گردیده و بدانها وعده‌اش انجامز گردد،

هر کس که در راه ما خون نثار و بذل می‌کند، و لقای خدا را توطین نفس خویش می‌نماید، پس آماده کوچیدن با ما باشد، چه ما ان شاء الله بامداد فردا حرکت می‌کنیم.

- مروری بر جلسات گذشته محرم و بررسی جنبه های عملی و کاربردی
- اشاره به جنبه های وجودی انسان

- هوای نفس و مقابله با جنبه رحمانی وجود انسان
- اهمیت شناخت عوامل هوای نفس در حرکت صحیح و تقابل با آن
- حسادت یکی از مهمترین ابزارهای هوای نفس
- بررسی و تحلیل چگونگی رفتار با انسانهای حسود و تابع هوای نفس در جامعه
 - اشاره به دو مبنای اصلی در نحوه برخورد با اینگونه افراد
 - برخورد خودخواهانه انسان

• عدم پذیرش فرهنگ قرآن و اسلام با اینگونه برخورد خودخواهانه

▪ رفتار محبت آمیز بر اساس دلسوزی بر مبنای انسانیت

- اهمیت رفتار محبت آمیز در جامعه در کلام قرآن کریم

- جایگاه عفو و بخشش در نحوه مقابله با صفات رذیله اجتماع با توجه به آیه ۱۰۹ سوره مبارکه بقره

○ **وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**

▪ بسیاری از اهل کتاب آرزو دارند که شما را از ایمان به کفر برگردانند به سبب رشک و حسدی که در نفس خود بر ایمان شما برند

بعد از آن که حق بر آن‌ها آشکار گردید، پس (اگر ستمی از آنها به شما رسید) در گذرید (و مدارا کنید) تا هنگامی که فرمان خدا

برسد، که البته خدا بر هر چیز قادر و تواناست. (۱۰۹)



- جمله ((حسدا من عند انفسهم)) (انگیزه آنها حسدی از ناحیه خودشان است) ممکن است اشاره به این باشد که حسد گاهی در شکل هدف منعکس می شود و آب و رنگ دینی به آن می دهند، ولی حسدی که آنها در این زمینه نشان میدادند حتی این رنگ را نیز نداشت بلکه صرفاً جنبه شخصی داشت.
- این احتمال نیز وجود دارد که اشاره به حسدی باشد که در جان آنها ریشه دوانیده است.
- ((اصفحوا)) از ماده ((صفح)) در اصل به معنی دامنه کوه، پهنی شمشیر، و یا صفحه صورت است، و این جمله معمولاً به معنی روی گرداندن و صرف نظر کردن به کار می رود، و با قرینه جمله ((فاعفوا)) معلوم می شود که این روی بر گرداندن به خاطر قهر و بی اعتنائی نیست بلکه به خاطر گذشت بزرگوارانه است.
- ضمناً این دو تعبیر نشان می دهد که مسلمانان حتی در آن زمان آنقدر قوت و قدرت داشتند که عفو و گذشت نکنند و به مقابله با دشمنان بپردازند، ولی برای اینکه دشمن اگر قابل اصلاح است اصلاح شود، نخست دستور به عفو و گذشت می دهد، و به تعبیر دیگر در برابر دشمن هرگز نباید خشونت، نخستین برنامه باشد، بلکه اخلاق اسلامی ایجاب می کند که نخستین برنامه عفو و گذشت باشد، اگر مؤثر نشد آنگاه متوسل به خشونت شوند.
- همراهی رحمت و مغفرت با توجه به آیه ۱۴ سوره مبارکه تغابن
 - **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمِنَ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفُوا وَتَصَفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**
- ای کسانی که ایمان آورده اید! بعضی از همسران و فرزندانان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و ببخشید، (خدا شما را می بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است!
- بر حذر بودن از همسران و اولاد بی ایمان
- سیاق خطاب به تعبیر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و نیز وابسته کردن دشمنی همسران را به مؤمنین مجموعاً علت حکم را می رساند و می فهماند که بعضی از همسران مؤمنین که با آنان دشمنی می ورزند بدان علت می ورزند که شوهرانشان ایمان دارند، و عداوت به خاطر ایمان جز این نمی تواند علت داشته باشد که این زنان بی ایمان می خواهند شوهران خود را از اصل ایمان، و یا از اعمال صالحه ای که مقتضای ایمان است، از قبیل انفاق در راه خدا و هجرت از دار الکفر، برگردانند و منصرف کنند، و شوهران زیر بار نمی روند، قهراً زنان با آنان دشمنی می کنند، و یا می خواهند کفر و معصیت های بزرگ از قبیل بخل و خودداری از انفاق در راه خدا را بر آنان تحمیل کنند، چون دوست می دارند شوهران بجای علاقه مندی به راه خدا و پیشرفت دین خدا و مواسات با بندگان خدا، به اولاد و همسران خود علاقه مند باشند، و برای تامین آسایش آنان به دزدی و غصب مال مردم دست بزنند.
- معنای کلمه «عفو»
- راغب در مفردات می گوید کلمه «عفو» به معنای قصد برای گرفتن چیزی است، مثلاً وقتی گفته می شود: «عفا»، و یا «اعتفاه»، معنایش این است که: قصد فلان چیز را کرد، در حالی که آنچه را نزد خود داشت، به دست گرفته بود- تا آنجا که می گوید- و چون گفته شود: «عفوت عنه» معنایش این است که من گناه او را زایل کردم و از او چشم پوشیدم.
- معنای کلمه «مغفرت»



- راغب در مفردات می‌گوید کلمه «مغفرت» که از ماده «غفر» است، به معنای آن است که جامه‌ای در تن کسی بیوشانی که تن او را از آلودگی ننگه بدارد، و از همین باب است که می‌بینی یکی به دیگری می‌گوید «اغفر ثوبک فی الوعاء» یعنی جامه‌ات را در خم رنگ بینداز و آن را رنگ کن تا چرکتاب شود، و دیرتر چرک را نشان دهد و غفران و مغفرت از ناحیه خدای تعالی به این است که بنده را از اینکه عذاب به او برسد حفظ فرماید و در قرآن فرموده: «غُفِرَ لَكَ رَبَّنَا» (بقره/۲۸۵)، و «مَغْفِرَةً مِنْ رَبِّكَ» (آل عمران/۱۳۳)، و «وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ» (آل عمران/۱۳۵).
- معنای صبر ممدوح از نظر قرآن کریم آیه ۲۲ سوره مبارکه رعد

○ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

- و آنان را که در پی خشنودی پروردگارشان شکیبایی پیشه می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه ما روزی آنان کرده‌ایم پنهان و آشکار می‌بخشند و به نیکی، بدی را دور می‌دارند؛ فرجام (نیک) آن سرای است،
- اینکه صبر را مطلق آورده می‌رساند که اشخاص مورد نظر آیه همه اقسام صبر را دارند، یعنی هم صبر در موقع برخورد به مصیبت، و هم صبر بر اطاعت حق، و هم صبر در برابر معصیت را. و لیکن مع ذلک صبرشان را مقید به قید «ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ» نموده، یعنی اگر صبر می‌کنند فقط و فقط به منظور رضای پروردگارشان است.
- پس اگر خداوند مدحشان کرده نه از این نظر است که صفات ممدوحی دارند، بلکه مدحشان از این جهت است که این صفت ممدوح یعنی صبرشان بخاطر خداست، چون کلام در آن صفاتشان است که از استجابیشان نسبت به دعوت خدا نشو و نما نموده، و از آنجا سرچشمه گرفته که به حقیقت آنچه از ناحیه پروردگارشان نازل شده علم بهم رسانده‌اند و باور کرده‌اند که همه آنها حق است، نه هر صفتی که مردم آن را در میان خود ممدوح و پسندیده می‌دانند، هر چند که ارتباطی به عبودیت و ایمان به پروردگار نداشته باشند.
- ماده "درأ" به معنای دفع است، و معنای آیه این است: وقتی به گناهی تصادفا آلوده می‌شوند، کار نیکی می‌کنند که نیکیش از بدی آن گناه بیشتر است، و یا حد اقل معادل آنست و آثار سوء آن را جبران می‌کند، حال چه اینکه این گناه را بوسیله کار نیک جبران نمایند و یا بوسیله توبه لکه آن را بشویند، چون فرموده‌اند: "حسنات گناهان را از بین می‌برد."
- اهمیت رفق و مدارا در کلام روایات

○ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا بسازگاری با مردم امر فرمود. چنان که بانجام واجبات امر فرمود.

• الکافی، ج ۲، ص: ۱۱۸

○ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع خَالَطُوا الْأَبْرَارَ سِرًّا وَ خَالَطُوا الْفُجَّارَ جِهَارًا وَ لَا تَمِيلُوا عَلَيْهِمْ فَيُظْلِمُواكُمْ فَإِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ إِلَّا مَنْ ظَنُّوا أَنَّهُ أَيْلَهُ وَ صَبَرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يُقَالَ لَهُ إِنَّهُ أَيْلَهُ لَا عَقْلَ لَهُ

- امام صادق علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سازگاری با مردم نصف ایمانست و نرمی با آنها نصف زندگی است. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: با نیکان در پنهان آمیزش کنید و با بدکاران در آشکار، و بر آنها حمله نکنید که بر شما



ستم کنند، زیرا زمانی برای شما پیش آید که از دینداران نجات نیابد، جز آنکه را مردم ابلهش دانند و خود او هم آماده باشد و تحمل کند که باو گویند ابله و بیعقل است.

○ معانی الأخبار عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ

- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۷۲ ص ۵۳ باب ۴۲ الرفق و اللين و كف الأذى و المعاونة على البر و التقوى
- اشاره به معنای مکارم اخلاق و تفاوت آن با محاسن اخلاق در کلام ائمه اطهار
- در یک تقسیم بندی کلی می توان دستورات اخلاقی را به دو گروه محاسن و مکارم اخلاق تقسیم کرد:
 - آن دسته از دستورات اخلاقی که مربوط به روابط اجتماعی و جلب منافع مادی و چگونگی معاشرت با دیگران است و موجب بهبود زندگی دنیوی می شود، در گروه محاسن اخلاق قرار می گیرد.
 - اخلاقیاتی که معیار انسانیت است و از بزرگواری و طبع بالا و تعالی روحی و معنوی انسان حکایت می کند، در زمره مکارم اخلاق قرار می گیرد.
- به عبارت دیگر، از تقابل بین حسن خلق با سوء خلق و محاسن اخلاق با مکارم اخلاق در روایات چنین برمی آید که در مواردی که اولیای الهی خواسته اند پیرامون اخلاق خوب به معنای جامع و کامل آن سخن بگویند و اهمیت و ارزش آن را در مجموع بیان نمایند، از کلمه «حسن خلق» استفاده کرده اند و آن را با «سوء خلق» می سنجیدند و بدینوسیله، ما را بر ملکات حمیده و سجایای اخلاقی پسندیده تشویق و ترغیب می کنند و از صفات ناپسند بازمی دارند و به موازات ذکر فواید مادی و معنوی حسن خلق، از زیان های دنیوی و اخروی سوء خلق نیز سخن به میان می آورند. اما در مواردی که اولیای دین خواسته اند از تعالی معنوی و کمال روحانی سخن بگویند و افراد جامعه را به ارزش های عالی انسانی متوجه کنند، از مکارم اخلاق نام برده اند و آن را در کنار محاسن اخلاق آورده اند و گام نهایی هدف انبیا و اولیای الهی شمرده اند.
- مکارم الاخلاق در صحیفه سجادیه
 - در دعاهای صحیفه سجادیه، امام سجاد(ع) ضمن راز و نیاز با خداوند، به طور غیر مستقیم از فضایل و رذایل اخلاقی سخن می گوید. گویی در دیدگاه امام (ع) از طریق سخن گفتن و راز و نیاز با خداوند، می توان همه کمالات انسانی و وظایف فردی و اجتماعی را باز شناخت.
 - امام زین العابدین(ع) در دعای بیستم صحیفه با زبان مناجات از خداوند متعال مکارم اخلاقی و درجات بلند ایمان و یقین را مسألت میکنند و عنوان این دعای نورانی به مکارم الاخلاق معروف است و می شود گفت تنها دعایی است که بطور اختصاصی به بیان آموزه های اخلاقی پرداخته و بعنوان منشور جامع اخلاقی در بین شیعیان اهل بیت به یادگار مانده است.
 - امام سجاد(ع) در دعای هشتم به بیان رذایل اخلاقی مهلکی می پردازد بدون توفیق و عنایت ویژه خداوند، تصفیه باطن از آن رذایل امری ناممکن است. حضرت در جاهای مختلف صحیفه نورانی به بیان رذایل اخلاقی و استعاذه به رب العالمین از آنها پرداخته است اما در دعای هشتم بخصوص به این مبحث پرداخته شده است که اینگونه شروع می شود «اللهم انی اعوذ بک من هيجان الحرص و سورة الغضب و غلبة الحسد و ضعف الصبر و ...» حضرت بعد از بیان بیش از بیست رذیله اخلاقی و آثار اجتماعی آنها، از خداوند متعال می خواهد که همه مومنین را از این رذایل و پیامدهای سوء آن پاک و حفظ کند.
- چگونگی مقابله رفتار نادرست در کلام قرآن با توجه به آیه ۹۶ سوره مبارکه مومنون



○ اَدْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

- به بهترین شیوه، بدی و تجرّی آنها را دفع کن. ما به آنچه توصیف می کنند (از اظهار شرک و استهزاء به دین و کتاب تو) داناتریم.
- آنچه بدی از ایشان می بینی با نیکی تلافی کن و تازه از بین خوبی ها خوبتر آنها را انتخاب کن، مثل اینکه اگر بدی آنان به صورت آزار و اذیت است، تو، به ایشان احسان کن و منتها درجه طاقت خود را در احسان به ایشان مبذول بدار، و اگر این مقدار نتوانستی هر چه را که توانستی، و اگر آنهاهم مقدور نبود حد اقل از ایشان اعراض کن.
- و اینکه فرمود: "نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ" ما بهتر می دانیم که چه برداشتی از دعوت تو دارند، یک نوع تسلیت خاطر رسول خدا (ص) است، تا از آنچه از ایشان می بیند ناراحت و غمگین نشود و از جرّاتی که نسبت به پروردگارشان به خرج می دهند، اندوهگین نگردد، چون خدا بهتر می داند که چه چیزها می گویند.

• بیان آثار عفو و بخشش دیگران باتوجه به آیه ۲۲ سوره مبارکه نور

○ وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

- و نباید صاحبان ثروت و نعمت از شما درباره خویشاوندان خود و در حق مسکینان و مهاجران راه خدا از بخشش و انفاق کوتاهی کنند، باید مؤمنان عفو و صفح پیشه کنند و از بدیها درگذرند، آیا دوست نمی دارید که خدا هم در حق شما مغفرت (و احسان) فرماید؟ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است
- و اینکه فرمود: "نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ" ما بهتر می دانیم که چه برداشتی از دعوت تو دارند، یک نوع تسلیت خاطر رسول خدا (ص) است، تا از آنچه از ایشان می بیند ناراحت و غمگین نشود و از جرّاتی که نسبت به پروردگارشان به خرج می دهند، اندوهگین نگردد، چون خدا بهتر می داند که چه چیزها می گویند.

○ معنای کلمه «ایتلاء»

- کلمه «ایتلاء» به معنای تقصیر و ترک و سوگند است، و هر سه معنا با هم تناسب دارند، و معنای آیه این است که صاحبان فضل و سعه یعنی توانگران از شما نباید در دادن اموال خود به خویشاوندان و مساکین و مهاجرین در راه خدا کوتاهی کنند. و یا معنایش این است که توانگران چنین کاری را ترک نکنند و یا این است که توانگران هیچ وقت سوگند نخورند که دیگر به نامبردگان چیزی نمی دهیم.
- وجه نزول آیه «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ...»

- بعضی گفته اند: آیه «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ...» درباره ابی بکر و مسطح بن اثابه و پسر خاله وی نازل شده و او از مهاجرین، و از جمله بدریین و مردی فقیر بود، و ابو بکر زندگی اش را تامین می کرد و خرجی اش را می داد، همین که در قضیه افک شرکت جست، ابو بکر نفقه اش را قطع کرد، و سوگند خورد که تا ابد کمترین نفعی به او نرساند، ولی وقتی آیه فوق نازل شد، به روش نخست خود برگشت و گفت به خدا سوگند من دوست می دارم خدا مرا بیامرزد، و به خدا تا زنده ام این مرسوم را از او قطع نمی کنم، (نقل از ابن عباس و عایشه و ابن زید).